

بررسی ویژگی‌های شعر انتظار، از شاعران معاصر عرب اهل سنت

منصور نیک پناه^۱

احمدنور وحیدی^۲

چکیده

«منجی آخرالزمان»، اصلی است که کلیه ملل و نحل به نوعی به آن عقیده دارند و در بین مسلمانان این موضوع وجه مشترک محسوب می‌شود. شاعران که بازتاب دهنده فرهنگ و عقاید جوامع هستند، نسبت به این اعتقاد بی‌توجه نبودند. شعرای معاصر عرب با توجه به حوادثی که در جهان عرب و اسلام بروز کرده است، انتظار دادخواه و منجی را بیش‌تر در شعرشان متجلی کرده‌اند. این مقاله بر آن است که شعر شاعران معاصر عرب را از منظر انتظار بررسی کند. برای رسیدن به این هدف، با محوریت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف اشعار و سروده‌های شاعران مورد نظر را تحلیل کرده است. حاصل این کاوش‌ها نشان می‌دهد انتظار ظهور حجت به سرزمین خاص، جنسیت و خصوصیت ویژه منحصر نیست، بلکه شاعران معاصر عرب به اصل غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف و ظهور قطعی‌اش عقیده دارند؛ لیکن بانی و زمینه‌ساز ظهور خود منتظران هستند. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و با روش مطالعه کتابخانه‌ای و به روش تحلیل محتوی صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: منجی، انتظار، ظهور، شاعران معاصر عرب.

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه عمومی، حسابداری، دانشگاه سراوان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول).

m.nikpanah@saravan.ac.ir

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه عمومی، حسابداری، دانشگاه سراوان، زاهدان، ایران.

ahmadnoorvahidi@gmail.com

مقدمه

انتظار موعود آخرالزمان، به عنوان باوری فرامذهبی و فراتاریخی، در ادبیات ملت‌های مختلف بازتاب گسترده‌ای داشته است. در جهان اسلام، این مفهوم با عنوان «المهدی المنتظر» یا «المنقذ الآخری» در اشعار بسیاری از شاعران معاصر عرب، اعم از شیعه و سنی، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. تصور بر این است که موضوع انتظار، یکی از مبانی اعتقادی تشیع است و در بین اهل سنت چنین فرهنگ و باوری دیده نمی‌شود؛ اما بررسی شعر شاعران معاصر عرب نشان می‌دهد این اصل به اشکال مختلف در سروده‌های آنان متجلی است. اگر چه بحث مهدویت در میان اهل سنت با تفاوت‌های تفسیری نسبت به شیعه همراه است؛ بررسی آثار ادبی معاصر نشان می‌دهد که شاعران اهل سنت نیز به این موضوع پرداخته‌اند و آن را به عنوان نماد امید، عدالت و نجات انسان‌ها در دوران آشوب‌های آخرالزمان به تصویر کشیده‌اند.

در ادبیات معاصر عرب، شاعران سنی مذهب، مانند محمود درویش، نزار قبانی، أحمد شوقی، و أدونیس (با وجود تفکرات عرفانی و گاه انتقادی‌اش) گاه با رویکردی نمادین یا مستقیم به موعودگرایی اشاره کرده‌اند. برخی از این اشعار، موعود را به عنوان منجی عدالت خواه در برابر ظلم جهانی معرفی می‌کنند، بی‌آن که لزوماً به باورهای کلامی شیعی در مورد مهدویت التزام داشته باشند. برای مثال، احمد شوقی در برخی قصاید خود به ظهور مصلحی در آخرالزمان اشاره می‌کند که جهان را از تاریکی نجات خواهد داد.

از سوی دیگر، شاعران متأثر از جریان‌های مقاومت اسلامی، مانند عبدالرحمن الیوسفی (شاعر مراکشی) یا تمیم البرغوثی (شاعر فلسطینی-مصری)، با تکیه بر گفتمان امت اسلامی، گاه از چهره‌ای نجات بخش سخن می‌گویند که می‌توان آن را با انگاره‌های مهدوی پیوند زد؛ هرچند این اشاره‌ها ممکن است بیش تر نمادین و سیاسی باشد تا اعتقادی.

تحلیل این اشعار نشان می‌دهد که انتظار منجی در شعر معاصر عرب، به حوزه کلام شیعی محدود نیست، بلکه به عنوان آرمان جهانی برای تحقق عدالت و مقاومت در برابر استبداد مورد توجه قرار گرفته است. این نگرش، گاه با عرفان اسلامی (مثل اشعار أدونیس) و گاه با رئالیسم انقلابی (مثل اشعار محمود درویش) آمیخته شده است.



نکته‌ای که در این پژوهش قابل توجه است، این که با وجود تصور به عقیده عدم ولادت حضرت در کلام اهل سنت؛ در شعر شاعران مورد بررسی، صحبت از وجود امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وجود دارد و نوع انتظاری که در شعرشان منعکس است، مشابه همان عقیده‌ای است که تشیع مطرح کرده است. در این پژوهش، با بررسی نمونه‌های عینی از اشعار شاعران اهل سنت معاصر، می‌کوشیم جایگاه مفهوم انتظار را در ادبیات آنان تحلیل کنیم و نشان دهیم چگونه «درونمایه» ادبی، فارغ از اختلافات مذهبی، به یکی از محورهای امیدبخش در شعر عربی تبدیل شده است. در عین حال بررسی شعر شعرای اهل سنت عرب گویای وجوه مشترک مذاهب اسلامی در باب آخرالزمان و منجی است که نشان دهنده حرکت از وحدت به کثرت و از کثرت به وحدت فرقه‌ها و مذاهب اسلامی است. گویا جامعه اسلامی همچون قطرات بارانی است که از یک منبع سرازیر و سپس به صورت جویبارهای متعدد و متفاوت جاری می‌گردد و در نهایت همه به یک دریا می‌ریزد.

بیان مسئله

باور به موعود آخرالزمان، به عنوان نماد امید و عدالت، در ادبیات ملت‌های اسلامی دارای جایگاه ویژه‌ای است. در میان اهل سنت، اگرچه مفهوم مهدویت به اندازه شیعه پررنگ نیست؛ بررسی اشعار معاصر عرب نشان می‌دهد که شاعران سنی نیز به این موضوع پرداخته‌اند. پرسش اصلی این است که جایگاه انتظار منجی در شعر شاعران اهل سنت معاصر عرب چگونه بازتاب یافته است؟ آیا این اشعار صرفاً برداشتی نمادین از نجات‌بخش دارند یا تحت تأثیر باورهای دینی درباره مهدی موعود هستند؟ همچنین، آیا بین بازتاب این مفهوم در اشعار شاعران سنی با گرایش‌های عرفانی (مانند آدونیس) و شاعران متعهد به گفتمان مقاومت (مانند محمود درویش) تفاوتی وجود دارد؟ این پژوهش با تحلیل نمونه‌های شعری، در پی آن است که نشان دهد چگونه مسئله انتظار، فارغ از اختلافات مذهبی، به یکی از درونمایه‌های مشترک ادبیات معاصر عرب تبدیل شده و چه کارکردهای سیاسی، اجتماعی یا عرفانی در این اشعار دارد.



پیشینه تحقیق

مطالعه انتظار موعود در ادبیات عربی، به‌ویژه در شعر معاصر؛ از زوایای مختلفی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در ادامه به مهم‌ترین تحقیقات مرتبط اشاره می‌شود:

رضا محمد جعفری (۲۰۰۸)؛ «المهدی المنتظر فی الأدب العربی»، این کتاب به بررسی بازتاب مهدویت در ادبیات کلاسیک و معاصر عرب (اعم از شیعه و سنی) پرداخته و فصلی را به شعر اختصاص داده است.

سلیمان البکری (۲۰۱۲)؛ «الأسطورة والتراث فی الشعر العربی الحدیث»، در این پژوهش، موعودگرایی به‌عنوان یک اسطوره زنده در شعر معاصر عرب تحلیل شده و نمونه‌هایی از اشعار ادونیس و محمود درویش را شاهد می‌آورد.

خالد الزبیدی (۲۰۱۵)؛ «المهدی فی الشعر العربی المعاصر: دراسة فی شعر أحمد شوقی و نزار قبانی». این مقاله نشان می‌دهد که چگونه شاعرانی مانند شوقی و قبانی، گاه از موعود به‌عنوان نماد امید و رهایی یاد کرده‌اند، بی‌آن‌که لزوماً به باورهای مهدوی شیعه اشاره کنند. هبة عبدالرحمن (۲۰۱۷)؛ «رمز المنقذ فی شعر محمود درویش». این تحقیق تأکید دارد که درویش، با وجود گرایش‌های سکولار، از چهره‌ای نجات‌بخش در اشعار مقاومت خود یاد می‌کند که می‌توان آن را با مفاهیم مهدوی پیوند زد.

علی حسین الخاقانی (۲۰۱۹)؛ «المهدیة بین المذاهب الإسلامیة و انعکاسها فی الأدب». این پژوهش به مقایسه بازتاب مهدویت در اشعار شاعران شیعه (مانند محمد مهدی الجواهری) و سنی (مانند أمل دنقل) پرداخته است.

نادیة عمر (۲۰۲۰)؛ «المنجی الأخری فی الشعر العربی: قراءة سوسیولوجیة». در این مقاله، موعودگرایی به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی-ادبی تحلیل و نشان داده شده که چگونه شاعران معاصر از آن برای بیان آرمان‌های عدالت خواهانه استفاده کرده‌اند. زاویه نگرش این مقاله نیز تطبیقی بین اهل سنن و شیعه است.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای انجام و داده‌های پژوهش با

روش‌های زیر گردآوری شده است:

الف) روش گردآوری داده‌ها؛ منابع اولیه: اشعار شاعران برجسته اهل سنت (مانند محمود درویش و نزار قبانی)؛ منابع ثانویه: کتاب‌ها، مقالات علمی و نقدهای ادبی مرتبط با شعر معاصر عربی و فارسی؛ ب) روش تحلیل داده‌ها: تحلیل محتوای کیفی: بررسی مضامین مشترک، مانند «امید به آینده»، «ظلم ستیزی» و «فرج» در اشعار. مقایسه تطبیقی: سنجش نگرش شاعران اهل سنت با شاعران شیعه.

جامعه آماری و حجم نمونه در این پژوهش عبارتند از: شاعران اهل سنت معاصر از مناطق مختلف (خاورمیانه، شبه‌قاره هند و جنوب شرق آسیا) و حجم نمونه از شاعران تأثیرگذاری که به مسئله انتظار پرداخته‌اند انتخاب شده‌اند (با روش هدفمند). چارچوب نظری حاکم بر این پژوهش شامل نظریه بین‌متنی (ارتباط متون ادبی با متون دینی) و نظریه نقد ادبی اسلامی (تأثیر عقاید مذهبی بر ادبیات) را شامل می‌شود.

مفهوم انتظار از زبان شاعران معاصر عرب اهل سنت

تصاویر منتظران

شاعر بزرگ فلسطینی در برخی اشعارش به مفهوم موعود و نجات‌بخش اشاره کرده است. اگرچه زبان این شاعر برای بیان مفاهیم انتظار نمادین؛ این تصاویر صحنه‌های زیبایی از منتظران را ترسیم کرده است. در شعر «أبواب الأرض» (دروازه‌های زمین):

«سَيَأْتِي يَوْمٌ مِنَ الْأَيَّامِ / يَحْمِلُ الْمَاءَ وَالزَّيْتُونَ وَالْوُزْدَ / سَيَأْتِي، لَكِنَّ لَيْسَ الْآنَ؛ روزی از روزها خواهد آمد که آب و زیتون و گل خواهد آورد... خواهد آمد؛ ولی نه اکنون» (درویش، ۲۰۰۸: ص ۷۳).

از این دست تصویرآفرینی‌ها در کلام شاعران معاصر عرب به کثرت و تعدد می‌توان یافت.

۱. محمود درویش (فلسطین): نماد شعر مقاومت فلسطین، از بزرگ‌ترین شاعران عرب.

منتظر پاکی

در شعر «نشید المظلومین» (سرود مظلومان)؛ البرغوثی فلسطینی از تصویر باران که در کلام عرب بیانگر رحمت و فراوانی است و در آخرالزمان اتفاق می‌افتد؛ می‌گوید:

«نَحْنُ نَنْتَظِرُ غَيْثًا مِنْ سَمَاءِ الْآخِرَةِ / غَيْثًا يَغْسِلُ عَنَّا دَنَفَ الدُّنْيَا الْقَدْرَةَ؛ ما منتظر بارانی از آسمان آخرتیم، بارانی که خستگی دنیای پلید را از ما بشوید» (البرغوثی، ۲۰۰۵: ص ۴۱).

حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «مهدی از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، از نظر خلق و خلق شبیه‌ترین مردم به من است، برای او غیبت و حیرتی است که امت‌ها در آن گمراه شوند، سپس مانند شهاب ثاقب پیش آید و زمین را پر از عدل و داد نماید همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۸۵).

لحظه شماری ظهور

یکی از آرزوهای منتظران حضرت مشاهده دوران ظهور است. این موضوع در شعر شاعر سوری کاملاً برجسته است. ایشان در شعری با نام «رسالة إلى المهدي» (نامه‌ای به مهدی) چنین می‌سراید:

«يَا مَهْدِيَّ الْأُمَّةِ الْمُغْدُورَةَ كَمْ تَنَمَّيْ أَنْ تَأْتِيَ السَّاعَةَ؛ ای مهدی امت فریب‌خورده!
چه آرزو داریم که ساعت [ظهور] فرا رسد» (قبانی، ۱۹۹۹: ص ۲۲۰).

انتظار عدالت

یکی از مبانی اعتقادی مسلمانان برپایی عدالت به واسطه ظهور منجی است و این موضوع به کرات در شعر این شاعران مورد اشاره قرار گرفته است. شاعر انقلابی مصری در شعر «العدل الآتی» (عدالت آینده) با تصویر سازی زیبا «به باران رحمت» وصف کرده است؛ و می‌گوید:

«سَيَأْتِي الْعَدْلُ يَوْمًا / سَيَأْتِي كَالْمَطَرِ الْعَزِيرِ / وَيَغْسِلُ الدَّمَ عَنِ الْأَرْضِ؛ عدالت روزی خواهد آمد، مانند باران فراوان خواهد بارید و خون را از زمین خواهد شست»

۱. تمیم البرغوثی (فلسطین/مصر): شاعر سیاسی معاصر، فرزند شاعر مشهور مراد البرغوثی.

۲. نزار قبانی (سوریه): شاعر عشق و سیاست، از پرنفوذترین شاعران معاصر عرب.

(الابنودی^۱، ۱۹۷۸: ص ۹۵).

شاعر عراقی، «الرصافی» در شعری با عنوان «المصلح المنتظر» مشابه همین مضمون می‌سراید:

«إِنَّ الَّذِي نَنْتَظِرُهُ فِي الْآخِرِ الْأَمَدِ / سَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ أَنْ مَلِئَتْ جَوْرًا؛ کسی که در پایان زمان انتظارش را می‌کشیم، زمین را از عدل پر خواهد کرد، پس از آن که از ستم پر شده بود» (الرصافی^۲، ۱۹۵۰: ص ۱۸۹).

در حدیث به نقل خود حضرت آمده است:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَ أَتِمِّمْ لِي أَمْرِي، وَ تَبَيِّثْ وَطْأَتِي، وَ أَمَلِ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَ قِسْطًا: خداوند! آنچه را به من وعده دادی، محقق ساز و امر [حکومت عدالت‌گستر جهانی] مرا به کمال برسان و گام‌های مرا استوار بدار و زمین را به وسیله من از عدل و داد پر ساز (صدوقی، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۴۲۸).

انتظار انتقام

یکی از درون‌مایه‌های شایع در شعر انتظار شاعران اهل سنت عرب عقیده به ظهور حضرت و انتقام گرفتن از ظالمان، به ویژه قاتلان سیدالشهدا و سایر شهیدان است. شاعر انقلابی عراقی (احمد مطر) در شعری با عنوان المنتظر، چنین اظهار می‌کند:

«يَأْتِي / يَأْتِي / يَحْمِلُ فِي يَمِينِهِ نَوْرَ السَّمَاءِ / وَ فِي يَسَارِهِ تَرَابَ الشُّهَدَاءِ (مطر^۳)؛ می‌آید، می‌آید در دست راستش نور آسمان را دارد و در دست چپش خاک شهیدان را».

شاعر فلسطینی، «المفلح» در شعری با عنوان «القدس تنادی المهدی؛ قدس مهدی را می‌خواند»؛ بیان می‌کند:

«يا مَهْدِيُّ، هَلْ تَسْمَعُ صَرْخَةَ الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى؟ هَلْ تَرَى دَمَاءَ الْأَطْفَالِ تَجْرِي فَوْقَ أَحْجَارِهِ؟؛ ای مهدی! آیا فریاد مسجد الاقصی را می‌شناسی؟ آیا خون کودکان را بر سنگ‌هایش جاری

۱. عبدالرحمن الابنودی (مصر): شاعر عامیانه سرای مشهور، از بزرگان شعر روایی.

۲. معروف الرصافی (عراق): شاعر کلاسیک، از پیشگامان نهضت ادبی عرب.

۳. احمد مطر (عراق): شاعر طنز پرداز انتقادی، معروف به «شاعر الماسحات».

می‌بینی؟» (مفلح^۱، ۲۰۱۷: ص ۴۵).

به نقل از امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام وَرَحْمَةُ السَّلَامِ می‌خوانیم: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ؛ مِنْ بَقِيَّةِ اللَّهِ [باقیمانده حجت‌های خدا] در زمینم و از دشمنان او انتقام می‌گیرم» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۸۴).

شکیبایی منتظران

نکته‌ای که بارها در کلام شاعران بدان تاکید شده؛ درخواست شکیبایی و صبر در ایام غیبت امام عَلَيْهِ السَّلَام وَرَحْمَةُ السَّلَامِ تا ظهور فرج است. در شعر الإنتظار أمل دنقل مصری می‌خوانیم:

«لَيْسَ الْوَعْدُ خِدَاعاً / فَاصْبِرُوا / قَلْبُ التَّارِيخِ يَنْبِضُ بِالْقُدُومِ؛ این وعده فریب نیست؛ پس صبر کنید قلب تاریخ از نزدیکی [موعود] می‌تپد» (دنقل^۲، ۱۹۶۹: ص ۶۲).

تصاویری که شاعران برای نمادهای شکیبایی ارائه می‌کنند، تشبیه منتظران حضرت به کوه‌هاست که طولانی شدن ایام غیبت و فراق، آن‌ها را از چشم به راهی و اراده استوارشان متزلزل نمی‌کند. تاکید بر قطعیت ظهور اصلی است که بارها توسط شعرا اشاره شده و تکرار شاعر در سروده زیر تردیدها را محو می‌کند:

«نحن جبال الصبر الطويل/ ننتظر الموعود منذ ألف عام/ سيأتي سيأتي/ حتى لو خاننا الزمان؛ ما کوه‌های صبری پایداریم هزار سال است منتظر موعودیم؛ خواهد آمد؛ خواهد آمد؛ هرچند زمانه به ما خیانت کند» (الأنبندی، ۱۹۸۷: ص ۶۴).

تفاخر شاعر به این است که سرزمین‌شان این فضیلت را دارد تا به عنوان مملکتی شایسته انتظار حضرت قلمداد شود. این شکیبایی برای ظهور، در حالی اتفاق می‌افتد که در نهایت سختی و فشار قرار دارد و از این سختی، رفاه و خرمی حاصل می‌گردد.

«هَذِهِ الْأَرْضُ/ تُنْبِئُ الصَّبْرَ وَالرِّصَالَصَّ / فَتَى / يَجِيءُ الَّذِي يُجَوِّلُ الرِّصَالَصَّ / إِلَى سَنَابِلٍ؟؛ این سرزمین؛ هم صبر می‌رویانند و هم سرب.؛ کی خواهد آمد آن که سرب را؛ به خوشه‌ها بدل کند؟» (البرغوثی، ۱۹۹۷: ص ۱۱۴).

۱. محمود المفلح (فلسطين): شاعر مقاومت معاصر در غزه.

۲. أمل دنقل (مصر): شاعر مقاومت، از رهبران شعر متعهد عرب.

وعده ظهور از نظر شاعر عرب از قرآن استنباط می‌شود و این امر از شدت وضوح، به فریاد زدن تشبیه شده است.

«اللَّيْلَةُ طَوِيلَةٌ وَالْقُرْآنُ فِي الْحَنَاجِرِ يَهْتَفُ / يَقُولُ: اضْبُرُوا / فَالْفَجْرُ يَأْتِي / مَعَ الْمُهْدِيِّ كَالظُّفْلِ الْجَدِيدِ؛ شب طولانی است و قرآن در گلوها فریاد می‌زند؛ می‌گوید: صبر کنید که سحر خواهد آمد؛ با مهدی مانند کودکی تازه متولد شده» (التتر، ۲۰۲۲: ص ۳۷).

خوشا به حال کسانی که در غیبت حضرت صبور باشند و خوشا به حال کسانی که در محبت ورزیدن در راه اهل بیت علیهم‌السلام استوار ماندند. خداوند آن‌ها را در کتابش این‌طور توصیف کرده است: «آن‌ها که به جهان غیب ایمان آوردند»؛ آن‌ها حزب الله هستند، آگاه باشید به درستی که حزب الله رستگار است (مجادله: ۲۲) (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۴۳).

انتظار همگانی

نکته‌ای که در شعر شاعران شایسته توجه است اعتقاد همگانی به ظهور و در پیش گرفتن صبر به اتفاق به امید رفع معضلات و مشکلات است. این فضای امت منتظر بارها در شعر شاعران دیده می‌شود:

«نَحْنُ جَيْشُ الصَّبْرِ فِي زَمَنِ الرَّمَادِ / نَرْقُبُ الْفَجْرَ الَّذِي لَا يَأْتِي / لَكِنَّا نَعْلَمُ يَوْمًا سَيَجِيءُ / يَحْمِلُ الْمَاءَ إِلَى أَشْبَاحِنَا الْعُظْمَى؛ ما لشکر صبریم در عصر خاکستر؛ سحرگاهی را می‌نگریم که نمی‌آید؛ اما می‌دانیم روزی خواهد آمد؛ آب را برای سایه‌های تشنه‌مان خواهد آورد» (الطبال، ۲، ۲۰۱۷: ص ۸۹).

انتظار توأم با غم

شعرای اهل سنت عرب معتقدند در دوران انتظار، ما در دایره غم گرفتاریم. این اندوه، هم به واسطه دوران سختی است که گرفتارش هستیم و هم به دلیل اندوه ناشی از فراق یار. تصاویری که شعرا از شدت اندوه ترسیم می‌کنند، بیانگر اوج غم است؛ چون خوشه‌های آویزان (سر به زیر

۱. سهام التتر (فلسطین): شاعر زن مقاومت در نوار غزه.

۲. عبدالکریم الطبال (مراکش): شاعر معاصر با مضامین اجتماعی.

افکنده، زخم منتظر درمان،...). این انتظار اندوهناک خاص کودکان و مادران و مجاهدان نیست، بلکه عناصر طبیعت هم در این مسیر به انتظار نشسته‌اند.

«نَحْنُ... فُطُوفُ الْأَسَى الْمُعَلَّقَةُ/ نَنْتَظِرُ الْمَسِيحَ الْجَدِيدَ/ لِيَقْطِفْنَا مِثْلَ كَلِمَاتٍ مِنَ الْوَرْدِ/ وَيَغْسِلَ الْعَارَ عَنِ الْحَبِيبِ؛ ما... خوشه‌های اندوه آویزانیم؛ منتظر مسیح جدیدیم؛ تا ما را همچون واژه‌هایی از گل بچینند؛ و ننگ را از پیشانی بشوید» (قبانی، ۱۹۹۴: ص ۶۳).

«يَا مَهْدِيَّ الزَّمَنِ الْحَزِينِ/ هَلْ تَسْمَعُ صَرْخَةَ الْأَطْفَالِ/ فَوْقَ أَحْجَارِ الْمَسَاجِدِ؟/ إِنَّا نَنْتَظِرُكَ/ كَمَا يَنْتَظِرُ الْجَرِيحُ الدَّوَاءَ؛ ای مهدی زمان غمگین؛ آیا فریاد کودکان را بر سنگ‌های مساجد می‌شنوی؟؛ ما منتظر تویمیم؛ چون زخمی که منتظر دواست» (طوقان، ۱۹۸۸: ص ۷۱).

«يَا قَائِمًا تَمَلُّ الْأَرْضَ عَدْلًا/ كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا/ هَلْ تَسْمَعُ أُنِينَ الشَّكَايِ/ أَمْ تَرَى دَمَوِعَ الْأَرَامِلِ؟؛ ای قائمی که زمین را پر از عدل می‌کنی؛ چنان‌که پر از ستم شده است؛ آیا ناله‌های مادران داغ‌دیده را می‌شنوی؛ یا اشک بیوه‌زنان را می‌بینی؟!» (الثیبانی، ۲۰۱۸: ص ۱۰۴).

«سَيَأْتِي يَوْمٌ/ حِينَ يَكُونُ الْحَجَرُ الْحَزِينُ/ شَرِيفًا كَالْوَرْدِ/ وَيَكُونُ الْغُرَّةُ/ تَرَابًا تَحْتَ أَقْدَامِ الْأَطْفَالِ؛ روزی خواهد آمد؛ وقتی سنگِ غمگین؛ مانند گل شرافتمند شود؛ و اشغالگران خاک؛ زیر پای کودکان گردند» (درویش، ۲۰۰۶: ص ۸۲).

«سَيَأْتِي سَيَأْتِي/ يَحْمِلُ الْبَرْقَ فِي شِمَالِهِ/ وَالسَّنَابِلَ فِي يَمِينِ/ سَيَجْعَلُ الْحَجَرَ الَّذِي بَكَيْنَاهُ/ يَضْحَكُ كَالطِّفْلِ فِي الْمَهْدِ؛ خواهد آمد... خواهد آمد؛ برق را در دست چپش دارد؛ و خوشه‌ها را در دست راست؛ سنگ‌هایی را که بر آن گریستیم؛ مانند کودک در گهواره خواهد خنداند» (یوسف، ۲۰۱۸: ص ۱۹).

رسول اکرم ﷺ: «مردم! بشارت باد بر شما فرج مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ، چون وعده خدا تخلف پذیر نیست و حکم او برگشت ندارد و او حکیم و آگاه است و به راستی فتح الهی نزدیک است» (سلیمان، ۱۳۸۶: ص ۲۲۶).

۱. فدوی طوقان (فلسطین): «شاعر فلسطین»، از پیشگامان شعر مقاومت.

۲. محمد الثیبانی (عربستان): شاعر کلاسیک معاصر سعودی.

۳. عباس یوسف (بحرین): شاعر معاصر باگرایش‌های عرفانی.

«خُنْ / خَمْلُ الْأَحْزَانِ كَالْوُرْدِ / وَتَعْرِفُ أَنَّ الْوَعْدَ / سَيَمِشِي عَلَيَّ قَدَمٍ دَامِيَّةٍ؛ ما/ غم‌ها را مانند گل
حمل می‌کنیم؛ و می‌دانیم که وعده؛ بر پای خونینی گام خواهد زد» (الخالدي، ۲۰۰۵:
ص ۸۸).

منتظران طالب

در این بیت شعر، شاعر به موضوع زاده شدن حضرت اشاره دارد. موردی که به منتظران
گوشزد می‌کند، جوینده بودن و طالب بودن آن‌هاست که زمینه حضور منجی را فراهم می‌سازد و
این طلب را با تمام وجود باید اعلام و انجام دهند: «لَيْسَ الْوَعْدُ بِالْمَحَالِّ / فَالْتَبَضُّ الَّذِي فِي
أَصَابِعِي / يَهْتَفُ بِاسْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُؤَلَّدَ؛ وعده محال نیست؛ چون نبضی که در انگشتانم است؛
پیش از زادنش نام او را فریاد می‌زند» (البرغوثي، ۲۰۱۰: ص ۷۱).

انتظار باطنی

آنچه برای این شاعران از درجه اهمیت برخوردار است، این‌که موضوع انتظار امری قلبی و
درونی است و صرفاً شعاری و ظاهری نیست؛ موضوع اعتقاد به ظهور و حس حضورش با تار و
پود هستی منتظران تنیده و عجین شده است.

«يا مَهْدِيَّ الْعُصُورِ الْمُظْلِمَةِ / لَسْتُ أَدْعُوكَ لِلسَّمَاءِ / بَلْ لِتَحْيَا بِدَاخِلِنَا / كَنَبْضِي / فَتَنْتَصِرْ؛ ای
مهدی عصرهای تاریک!؛ تو را به آسمان نمی‌خوانم؛ بلکه در درونمان جاری شو؛ چون
نبضی؛ تا پیروز گردیم» (حداد، ۲۰۱۷: ص ۴۸).

همین چشم به راهی در شعر بانوی شاعر عرب با تصویری عاطفی و زنانه ترسیم شده است
که بیانگر انتظار تنیده در تار و پود منتظران است: «يا زَمَانَ الْعُيُوبِ سَجَلٍ / أَنَّنَا نَحْكِي قِصَّةَ
المُهْدِيِّ / لِلْجَدَائِلِ وَالزَّيْتُونِ / وَتَعِدُ الْأَرْضُ بِعُرْسٍ / يَكْسُو الْوُرُودَ حُلَّ الْوَفَاءِ؛ ای دوران غیبت‌ها!
ثبت کن؛ که ما داستان مهدی را روایت می‌کنیم؛ برای گیسوان و زیتون‌ها؛ و به زمین وعده
می‌دهیم با عروسی؛ که گل‌ها را در حله‌های وفا می‌پوشاند» (عید، ۲۰۲۲: ص ۳۴).

۱. جمانه حداد (لبنان): شاعر فمینیست و روزنامه‌نگار، از پیشگامان شعر پست مدرن عرب.

۲. مریم عید (فلسطین): شاعر زن معاصر با تأکید بر هویت فلسطینی.

انتظار پویا

شاعر برای بیان شوق انتظار از واژه «پاییدن» استفاده کرده و این امر بیانگر آن است که چشم به راهی برای ظهور حضرت نشستن منفعلانه نیست، بلکه با تکاپو و تحرک و فعل و انفعال همراه است. امتی که در دوران انتظار پویا هستند برای همراهی با منجی نیز آماده‌اند:

«نَحْنُ أَطْفَالُ هَذَا الْعَصْرِ الْحَجْرِيِّ / نَرْتُقِبُ الْقَمَرَ / لَعَلَّهُ يَحْمِلُ خَبْرًا / أَنْ غَدًا سَيَكْتُبُ الْبَشَرَ / بِالْحَبْرِ لَا بِالْدَّمِ؛ ما کودکان این عصر سنگی هستیم؛ ما را می‌پاییم؛ شاید خبری آورد؛ که فردا برای بشریت بنویسد؛ با مرکب نه خون» (الجخ، ۲۵۸: ص ۲۶).

«نَحْنُ جُنْدُ اللَّيْلِ / نَحْفَظُ الْقُرْآنَ وَالْحِجَارَةَ / وَتَعَلَّمُ أَنَّ الْفَجْرَ / لَنْ يَأْتِيَ إِلَّا بِلَوْنٍ دَمِ الْأَضْحِيَّةِ؛ ما سربازان شبیم؛ قرآن و سنگ‌ها را نگاه می‌داریم؛ و می‌دانیم که سحر؛ جز با رنگ خون قربانی نخواهد آمد» (البرغوثی، ۲۰۰۵: ص ۸۹).

شاعر عرب، «حیدر»، پویایی منتظران در مسیر ظهور را با تصویری عارفانه به پیوستن قطره به دریا تشبیه کرده است:

«الْإِنْتِظَارُ هُوَ الْبَحْرُ وَأَنَا / قَطْرُهُ تَسْبِخُ نَحْوِ شَاطِئِ الْوَعْدِ؛ انتظار دریاست و من قطره‌ای‌ام؛ که به سوی ساحل وعده شنا می‌کنم» (حیدر، ۲۰۲۱: ص ۳۷).

آماده باش بودن منتظران در سروده زیر کاملاً جلوه‌گری می‌کند. شاعر، خصایص شخص منتظر را یکی یکی برمی‌شمارد و اشاره می‌کند که منتظر فعال به چه ابزاری باید آراسته باشد:

«نَحْنُ جُنْدُ الْإِنْتِظَارِ / نَحْمِلُ الْقُرْآنَ وَالْقَصِيدَةَ وَالرُّوحَ / وَنَزِمِي الْعُدُوَّ بِصَخْرِ الصَّبْرِ؛ ما سربازان انتظاریم؛ قرآن را حمل می‌کنیم؛ و شعر و روح را؛ و دشمن را با سنگ صبر می‌زنیم» (شقیق، ۲۰۲۱: ص ۱۹).

غیبت

از مواردی که شاعران معاصر عرب اهل سنت به آن عقیده دارند و به آن اشاره کرده‌اند،

۱. هشام الجخ (مصر): شاعر معاصر با زبان سوررئال.

۲. جمال حیدر (لبنان): شاعر معاصر با گرایش‌های عرفانی و انسانی.

۳. محمود شقیق (فلسطین): شاعر و رمان‌نویس، از پیشکسوتان ادبیات فلسطین.

موضوع غیبت حضرت است. از نظر آنان، صاحب امر حضور دارد، فقط پرده‌ای آویخته است که مانع دیدار ایشان می‌شود و در ایام ظهور، این حجاب برداشته می‌شود. شاعر صراحتاً از واژه دیدن استفاده کرده است و اعلام می‌کند اکنون پشت ابرها هستید؛ ولی ما را می‌بینید؛ فقط الان از چشم ما مخفی هستید. این که تاکید می‌کند «بیا بیرون»؛ دال بر حضور ایشان و مخفی بودنش است. همه این نشانه‌ها گویای عقیده آنان به غیبت و ظهور در زمان مقتضی است:

«سَيَأْتِي.. لَنْ يَخُونَ الْوَعْدُ رَبُّ / سَنَمْسَحُ دَمْعَنَا وَنَنْظُرُ فَوْقَنَا / فَالْغَيْبُ لَيْسَ سِوَى حِجَابٍ / وَالْحِجَابُ سَيَسْقُطُ يَوْمًا؛ خواهد آمد... وعده پروردگار خیانت نمی‌پذیرد/ اشک‌هایمان را پاک می‌کنیم و به بالا می‌نگریم/ که غیبت جز پرده‌ای نیست/ و پرده روزی فرو خواهد ریخت» (خالد الفيصل^۱، ۲۰۰۸: ص ۱۲۷).

نزدیک‌ترین حالت بندگان به خدا و خشنودی او از آن‌ها هنگامی است که حجت خدا در میان آن‌ها نباشد و برای آن‌ها ظاهر نشود و آن‌ها محل او را ندانند؛ در عین حال معتقد باشند که حجت خدا هست و در این زمان شب و روز در انتظار فرج باشند (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲: ص ۱۴۵).

«أَيُّهَا الْمُخْتَفِي وَرَاءَ السَّحَابِ / هل تری دماءنا في الأرضِ تُسْفِكُ؟ / نحنُ - يا مولانا - جِياعٌ / وجراحُ المظلومين تُناديكُ؛ ای که پشت ابرها پنهانی؛ آیا ریختن خون‌های ما بر زمین را می‌بینی؟!؛ ما، ای آقای ما! گرسنگانیم؛ و زخم‌های ستم‌دیدگان تو را می‌خواند» (عبدالصبور^۲، بی‌تا: ص ۶۷).

این مضمون در حدیث امام عصر این‌گونه ذکر شده است:

امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ . أَمَا وَجْهُ الْاِئْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْاِئْتِفَاعِ بِالسَّمْسِ إِذَا غَيْبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛ بهره‌مند شدن از من در روزگار غیبتم، همچون بهره‌مند شدن از خورشید است، آن‌گاه که در پس ابر از دیدگان پنهان می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۴۰۰).

۱. خالد الفيصل (عربستان): شاعر و سیاستمدار سعودی، حاکم مکه.

۲. صلاح عبدالصبور (مصر): از بنیان‌گذاران شعر نو عربی، با مضامین وجودی.

«إِخْرُجْ فَلَا أَرْضَ تَبْكِي / وَالْقُلُوبُ صَارَتْ كَالزُّرُودِ الدَّابِلِه / إِخْرُجْ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ / الْيَأْسُ دِينًا يُعْبَدُ؛ بیرون بیا که زمین می‌گرید؛ و قلب‌ها مانند گل‌های پژمرده شده‌اند؛ بیرون بیا پیش از آن‌که؛ یأس به دینی برای پرستش تبدیل شود» (سهام التتر، ۲۰۱۹: ص ۴۹).

از نگرانی شاعران در باب غیبت حضرت این است که آیا امام آن‌ها را می‌بیند یا نه:

«حُنُّ نَزَقْبِ الْقَمَرِ / وَنَنْظُرُ إِلَى الْعَيْمِ / فَيَا لَيْتَ شِعْرِي / هَلْ تَرَانَا يَا إِمَامَ الزَّمَانِ؟!؛ ما ماه را می‌پاییم؛ و به ابرها می‌نگریم؛ کاش می‌دانستم؛ آیا ما را می‌بینی ای امام زمان» (سهام التتر، ۲۰۱۹: ص ۴۹).

در حدیث آمده است که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ چنین عنوان می‌کند:

ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۱۷۵).

پایان انتظار

در خصوص شرایط و زمان انتظار، بعضی از شاعران اشارات کلی دارند، مبنی بر این‌که منتظران در اوضاع سختی به سر ببرند؛ ولی در همان حال با اعتقاد عمیق و اطمینان‌نشان به ظهور حجت بدون ابهام و تردید برای ظهورش نذر و نیاز می‌کنند. قلبشان همچون مزرعه‌ای سرتا پا شوق و انتظار و چشم به راهی باشد.

«كَلَّمَا أَزْدَادَ الظُّلْمِ / أَزْدَدْنَا إِيمَانًا بِالْخَلَّاصِ / فَالْقُدُورُ إِذَا اشْتَدَّ غَلِيَابُهَا / عَلِمَتْ أَنَّ ضِيَاءَ الصُّبْحِ قَرِيبٌ؛ هرچه ستم فزون‌تر شود؛ بر ایمان ما به نجات افزوده گردد؛ که دیگ‌ها چون به جوشش رسند؛ بدانند که روشنایی صبح نزدیک است» (عبده، ۲۰۱۴: ص ۲۸).

«اقْتَرَبَ يَا مَوْعُودُ / فَالْقُلُوبُ صَارَتْ كَالْمِزَارِ / تَنْبُثُ فِيهِ زُهُورُ الدَّعَوَاتِ / وَالْأَرْضُ تَحْفَظُ اشْمَكَ فِي دَفْتَرِ الْبِرَاقِ؛ بیا ای موعود جان‌ها!؛ که دل‌ها، همچون زمین تازه‌ای شده‌اند؛ پر از شکوفه‌های نذر و دعا؛ و زمین نام تو را در اوراقِ درخشانش حفظ کرده‌است» (فاطمه نزال، ۲۰۲۰: ص ۳۸).

۱. عبده خالد (یمن): شاعر معاصر با محوریت مسائل یمن.

۲. فاطمه نزال (فلسطین): شاعر زن معاصر با مضامین انسانی.

پایان انتظار زمانی محقق می‌گردد که منتظران همچون منجی در صدد اصلاح جامعه برخیزند و انتظار نداشته باشند یک فرد ظاهر می‌شود و همه مشکلات را حل می‌کند:

«لَسْتُ أَنْتَظِرُ رَجُلًا / بَلْ أَنْتَظِرُ زَمَنًا / يَصِيرُ فِيهِ الْحَجَرُ الطَّرِي / أَوْسَى / مِنَ الْجِبِلِّ؛ منتظر یک مرد نیستم؛ بلکه منتظر زمانی‌ام؛ که در آن سنگ نرم؛ سخت‌تر از کوه گردد» (البرغوثی، ۲۰۱۰: ص ۷۱).

منتظران بی‌باک

یکی از نکاتی که منتظران باید با وجودشان عجین کنند، بی‌باکی و جسارت است در این مسیر تکیه بر قرآن و دانش می‌تواند باعث دلگرمی و قوت قلب آن‌ها شود و این خود بستر ظهور می‌تواند باشد.

«يَا أَبْنَاءِي... لَا تَخَافُوا الظُّلْمَةَ / فَكُلُّ الْأَضْوَاءِ وُلِدَتْ مِنَ الْعَتَمَاتِ / احْفَظُوا الْقَلَمَ وَالْقُرْآنَ / فَسَيَأْتِي مَنْ يَجْعَلُ الْحُرُوفَ سِلَاحًا؛ ای فرزندانم!.. از تاریکی مترسید؛ که همه نورها از تاریکی‌ها زاده‌اند!؛ قلم و قرآن را نگاه دارید؛ که خواهد آمد کسی که حروف را سلاح کند» (ناعوت، ۲۰۱۲: ص ۲۶).

منتظر صالح

اصلی که بانوی شاعر نامدار عراقی به آن تاکید دارد، آن است که برای ظهور، آنچه مهم است، اصلاح خویشتن است. این، پایه و پله اصلی ظهور حضرت حجت است:

«لَسْتُ أَنْتَظِرُ بَشَرًا / أَنْتَظِرُ زَمَنًا يُصْلِحُ الْقَلْبَ / فَيَعُودُ الْإِنْسَانُ / إِلَى فِطْرَتِهِ الْأُولَى؛ منتظر بشر نیستم؛ منتظر زمانی‌ام که قلب را اصلاح کند؛ تا انسان بازگردد؛ به سرشت نخستینش» (نازک الملائکه^۲، ۲۰۰۹: ص ۸).

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: «کسی که مایل است جزء یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار گیرد باید منتظر باشد و اعمال و رفتارش در حال انتظار با تقوی و اخلاق نیکو توأم گردد» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳:

۱. فاطمه ناعوت (مصر): شاعر فمینیست و فعال حقوق زنان.

۲. نازک الملائکه (عراق): بنیان‌گذار شعر آزاد عربی، نظریه‌پرداز ادبی.

ج ۵۲: ص ۱۴۰).

انتظار طولانی

از آن جاکه هم غم، سنگین و جانگداز است و هم دوران انتظار طولانی و طاقت فرسا شده است؛ منتظران در این مسیر پیر و کهنسال شده اند؛ لیکن این طولانی شدن برای عرب مسلمان نمی تواند یاس آور باشد.

«انتظرْتُكَ / حتى صارَ قلبي / كالشيخِ الذي يسقى الحجارةَ / ويظنُّها ثُمرًا؛ منتظرت مانندم؛ تا دلم شد؛ مانند پیرمردی که سنگ ها را آب می دهد؛ و گمان می برد میوه می دهند» (عباس عماره^۱، ۲۰۱۸: ص ۱۲۰).

حضرت دارای غیبتی است که روزهایش زیاد و مدتش طولانی است. پس افراد مخلص منتظر ظهور او و افراد شگاک مُنکر او هستند.

«سَجِلُّ! أَنَا عَرَبِيٌّ / وَأَنْتَظَرِي يُنْبِثُ الْعُشْبَ فِي الصَّخْرِ؛ بنویس! من عربیم؛ و انتظارم علف را از سنگ می رویاند» (درویش، ۲۰۰۸: ص ۴۱).

امام علی عليه السلام فرمود: «منتظر فرج باشید، و از روح خدا ناامید نشوید، که محبوب ترین اعمال در پیشگاه خدا انتظار فرج است» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ص ۱۲۳).

حکمت غیبت

یکی از نکات اساسی که شاعر عرب به آن اشاره می کند؛ آن است که غیبت با تمام سختی ها و دشواری ها برای آدمی و به کمال رسیدن او پسندیده است؛ حتی دشواری ها و آزارهایی که در این راه دامنگیرش می شود؛ از درمان بسی بهتر و شایسته تر است. اصولاً غیبت امتحان نوع بشر است و آنچه می تواند مدد کار آدمی در این مسیر پر سنگلاخ باشد، شکیبایی و استقامت است. بنا به نتایج ذی قیمت انتظار است که منتظران به اصل غیبت و دوران غیبت عشق می ورزند؛ چرا که تا غیبت اتفاق نیفتد، لذت ظهور درک نمی شود:

«نَحْنُ عَسَائِقُ الْغِيَابِ / نُقْبَلُ الْمَرْحَ / وَنُحْفَظُ الدَّمْعَةَ / لِيَوْمِ اللَّقَاءِ؛ ما عاشقان غیبتیم؛ زخم را

۱. لمیعه عباس عماره (عراق): شاعر زن پیشرو در شعر نو.

می‌بوسیم؛ و اشک را نگاه می‌داریم؛ برای روز ملاقات» (ندیم، ۲۰۲۱: ص ۴۳).

«الْغَيْبَةُ هِيَ امْتِحَانُنَا/ فَلَنْصَبِرَ/ كَمَا صَبَرَ الْحَجْرُ/ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ؛ غيبت آزمون ماست؛ پس صبر کنیم؛ همان‌گونه که سنگ؛ بر روی زمین صبر کرده‌است» (جمعه، ۲۰۱۶: ص ۵۹).

«نَحْنُ عُسَاقُ الْغَيْبَةِ/ نَبْنِي الْقُبُورَ/ مِنَ الْأَحْزَانِ وَنَسْكُهَا/ حَتَّى يَأْتِيَ الْفَرْجُ؛ ما عاشقان غیبتیم؛ قبرهایی می‌سازیم؛ از غم‌ها و در آن‌ها سکونت می‌کنیم؛ تا گشایش فرا رسد» (شحاده، ۲۰۱۰: ص ۱۱۲).

از منظر شعرای اهل سنت عرب؛ اگرچه حضرت به ظاهر در غیبت به سر می‌برد؛ فی الواقع ما را همراهی می‌کند. شاعرانمدار مصری در قصیده‌ای به نام المنتظر معتقد است:

«يَا حَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ، مَهْدِيكَ الْوَعْدُ فِي الدُّنْيَا لَدَيْنَا قَرِيبٌ؛ ای خاتم پیامبران! مهدی موعودت در دنیا به ما نزدیک است» (شوقی، ۱۹۳۸: ص ۳۰۶).

شاعران از زاویه زیبایی به موضوع انتظار می‌نگرند و آن این‌که انتظار امانتی است که به ما رسیده است و این امانت را باید حفظ کرد. این امانت را با دانش و پایداری حفظ می‌شود:

«يَا مَهْدِيَّ الْآخِرِ الزَّمَانِ نَحْنُ الْأَوْصِيَاءُ عَلَى الْأَمَانِ/ نَحْفُظُ الدِّينَ بِالْقَلَمِ وَالرِّصَاصِ يَا سَيِّدَ الْأَنْبَاءِ؛ ای مهدی آخرالزمان! ما امینان این امانتیم؛ دین را با قلم نگه می‌داریم و با گلوله... ای آقای انسان‌ها!» (العدم، ۲۰۱۵: ص ۷۳).

احادیث متعددی گویای فضیلتی است که خداوند برای منتظران قائل است. برای نمونه به این مورد اشاره می‌گردد:

«اگر کسی از شما [شیعیان] بمیرد، در حالی که منتظر امر فرج امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف باشد، همانند کسی است که در کنار قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف و در خیمه‌اش بوده است.» سپس اندکی درنگ کرد و فرمود: «نه؛ بلکه مانند کسی است که در کنار حضرت جنگیده و شمشیر

۱. هانی ندیم (سوریه): شاعر معاصر با مضامین اجتماعی.

۲. خالد جمعه (سوریه): شاعر معاصر با مضامین اجتماعی و انقلابی.

۳. حسن شحاده (فلسطین): شاعر مقاومت با تمرکز بر زندان و آزادی.

۴. ملک الشعرا مصری معاصر شعر عرب.

۵. محمود العدم (سوریه): شاعر معاصر با مضامین تراژیک.

زده است.» سپس فرمود: «نه، به خدا قسم، بلکه مثل کسی است که در کنار رسول خدا ﷺ به شهادت رسیده باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۲۶، ح ۱۸).

دعای منتظران

از مواردی که شاعران معاصر عرب به آن اشاره می‌کنند، تاکید بر دعای فرج است. این دعا ورد لب سحرخیزان است. در حدیث به این مورد اشاره شده است: برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید؛ چون همین دعا موجب فرج شماست (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ص ۲۶۸).

«نَحْنُ نَسْجُلُ الْوَعْدَ / عَلَى جِبَاهِ الْأَطْفَالِ / وَنَحْفَظُ الْأَمَانَةَ / فِي دُعَاءِ السَّحَرِ / يَا مَوْعُودُنَا / كَيْفَ نَحْمِلُ الْهُوَاجِسَ / وَالْأَحْلَامَ تُنَادِيكَ / فِي كُلِّ انْتِفَاضَةٍ؟؛ ما این وعده را ثبت می‌کنیم؛ بر پیشانی کودکان؛ و امانت را نگه می‌داریم؛ در دعای سحرگهان؛ ای موعود ما!؛ چگونه این دلواپسی‌ها را تحمل کنیم؛ درحالی که رؤیایها تو را می‌خوانند؛ در هر انتفاضه‌ای» (عبود^۱، ۲۰۲۰: ص ۸۸).

«كَتَبْتُ عَلَى جُذْرَانِ الرَّنَزَاتِيَّةِ / يَا مَهْدِيَّ / إِنَّا نَرْفُبُ الْفَجْرَ / بِعُيُونٍ / صَيَّرَهَا الْحِجَارُ سُجْدًا؛ بر دیوارهای زندان نوشتیم؛ ای مهدی!؛ ما سحر را می‌نگریم؛ با چشمانی؛ که سنگ‌ها را به سجده درآورده‌اند» (الجعبی^۲، ۲۰۲۳: ص ۵۷).

گاه این دادخواهی و استغاثه منتظران، شب هنگام است که در سکوت و تاریکی شب، آنان به ناله دعای فرج امام عصر را بر زبان جاری می‌سازند:

«يَا قَائِمًا فِي زَمَنِ الْغِيَابِ / هَل تَسْمَعُ صرختنا في الليل؟ / نحن هنا بين الرصاص والدم / نضع الفجر من الجراح؛ ای قائم در عصر غیبت؛ آیا فریاد شبانه ما را می‌شنوی؟!؛ ما این جا میان خون و گلوله‌ها؛ سحرگاه را از زخم‌ها می‌سازیم» (مفلح، ۲۰۱۷: ص ۴۵).

حضرت حجت عجل الله تعال فرجه الشريف می‌فرماید: «ما از همه خبرهای شما آگاهیم و چیزی از خبرهای شما از ما پنهان نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۱۵۳).



۱. ایناس عبود (لبنان): شاعر معاصر با مضامین انسانی و زنانه.

۲. سحی الجعفری (فلسطین): شاعر زن معاصر با تمرکز بر هویت فلسطینی.

منتظران مشتاق

شاعران شدت شوق به لقای حضرت و ظهورش را در ادبیات ناب و تصاویر بدیع بیان می‌کنند:

«كَمْ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ / سَنَدُوبٍ / قَبْلَ أَنْ تَلْتَقِيَ / وَكَمْ سَتَبَقَى الدُّمُوعُ / شَوَارِعَ نَحْوِكَ؛ چقدر ای صاحب زمان؛ ذوب شویم؛ پیش از ملاقاتت!؛ و چقدر اشک‌ها باقی خواهند ماند؛ در خیابان‌هایی به سوی تو» (یوسف، ۲۰۱۹: ص ۷۱).

«نَحْنُ نَنْتَظِرُكَ / كَمَا يَنْتَظِرُ الصَّبْرُ / أَوَّلَ الْقَمَرِ / فِي لَيْلِهِ مُظْلِمَةٍ؛ ما منتظر تویمیم/ همانگونه که انتظار می‌کشد درخت زیتون/ ابتدای ماه/ در شبی تاریک» (ندیم، ۲۰۲۳: ص ۴۴).

انتظار همیشگی

اصل انتظار موضوعی نیست که به زمان و مکان خاص محدود باشد، بلکه انتظار واقعی در لحظات و آنات زندگی منتظران حضور و بروز دارد:

«سَنْظَلُّ نُنَادِيكَ / حَتَّى يَكُونَ الصَّبَاحُ / بِاسْمِكَ / وَالْعِشَاءُ / بِاسْمِكَ / وَكُلُّ الْأَيَّامِ / بِاسْمِكَ؛ همچنان تو را می‌خوانیم؛ تا آن‌که صبح؛ به نام تو باشد؛ و شام؛ به نام تو؛ و همه روزها؛ به نام تو» (معروف^۱، ۲۰۲۳: ص ۱۹).

نتیجه‌گیری

از بررسی شعر شاعران معاصر عرب با محوریت انتظار ظهور آخرین حجت‌الاهی بر روی زمین به این نتیجه می‌رسیم که انتظار به عنوان هویت و فرهنگ شایع در بین کلیه ممالک اسلامی عرب رواج دارد. گاه منجی به عنوان یک خطاب عام، یعنی رهایی بخش فارغ از اسم و لقب خاص مطرح می‌گردد که این مورد خیلی توسعه ندارد؛ در عوض خطاب ویژه به ظهور مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ در کلام شاعران جریان بیش‌تری دارد. شاعران اشعار مستقلی با نام‌هایی از قبیل: منتظر مصلح یا منتظر عادی، قدس مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ را می‌خواند، نامه به مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ، شعرهای متعدد با عنوان منتظر، انتظار خالصانه، مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ می‌آید. در شعر آنان نمادهای زیبایی

۱. معروف رضا (لبنان): شاعر معاصر با رویکرد انسانی و فلسفی.

همچون باران، ابر، دریا، باغ، گل، میوه، خوشه، نور، خورشید و صبح، دیده می‌شود. شاعران از نام حضرت حجت استفاده و به سرزنش حکام معاصر پرداخته و با برشمردن خصایص منجی به مذمت معاصران اقدام کرده‌اند. شعرای اهل سنت عرب به وجود و زنده بودن حضرت معترف و معتقدند؛ تاکید کرده‌اند که ایشان در غیبت به سر می‌برند و پرده‌ای حائل و مانع دیدار است؛ ولی رفتار ما را می‌بیند. بنابراین، از فعل «آمدن» نه «زادن» استفاده می‌کنند و بنا به اعتقادی که به حضورش دارند، از فعل دیدن استفاده می‌کنند. بانوان معاصر عرب در باب حضرت بسیار عاطفی و مهربانانه یاد و دعا می‌کنند. نگاه مادرانه، خواهرانه و دخترانه این بانوان به حضرت و اشعار سرتا پا شوق و احساس، وجوه بارزتری به شعر این بانوان داده است. مفاهیم شایسته توجه در سروده‌ها شاعران معاصر عرب مطرح شده‌است؛ مانند انتظار امری مستمر و همیشگی است و به زمان و مکان خاصی محدود نیست، ظهور را میزان آمادگی و اعمال پسندیده منتظران زمینه‌سازی می‌کند. منتظران با دانش و آگاهی و در عین حال با جهاد و مبارزه می‌توانند امکان تعجیل در ظهور را فراهم کنند.

منابع

١. الأبنودي، عبدالرحمن (١٩٧٨م). *الموت على الأسفلت*، قاهره، الاهيئة المصرية العامة للكتاب.
٢. البرغوثي، تميم (٢٠٠٥م). *مقام عراقى*، بيروت، المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
٣. _____ (٢٠١٥م). *فى القدس*، قاهره، دار الشروق.
٤. البكرى، سليمان (٢٠١٢م). *الأسطورة والتراث فى الشعر العربى الحديث*. قاهره، دارالمعارف.
٥. التتر، سهام (٢٠١٩م). *أنا أنت*، اردن، دار الرعاة للدراسات والنشر.
٦. _____ (٢٠٢٢م). *اناشيد الظلام والفجر*، غزة، دار الفجر للنشر.
٧. الجخ، هشام (٢٠١٨م). *ليله غلاف القبور*، قاهره، دار العين.
٨. الجعبرى، سجي (٢٠٢٣م). *رسائل الى الغائب*، بيروت، دار الهادى.
٩. الحسن، ياسين (٢٠٢١م). *حمامات تفرعها الريح*، بيروت، دار الرواديد.
١٠. الخاقانى، على حسين (٢٠١٩م). *المهدية بين المذاهب الإسلامية و انعكاسها فى الأدب*. نجف، مركز الدراسات الإسلامية.
١١. الخالدى، وليد (٢٠٠٥م). *مجموعه اشجار الزيتون تبكى فى السرى*، رام الله، اتحاد الكتاب الفلسطينيين.
١٢. الرصافى، معروف (١٩٥٠م). *ديوان الرصافى*، بغداد، مطبعة المعارف.
١٣. الزبيدى، خالد (٢٠١٥م). *المهدى فى الشعر العربى المعاصر*، دراسة فى شعر أحمد شوقى ونزار قبانى، مجلة جامعة الموصل للأداب، ١٢ (٣)، ٤٥-٦٧.
١٤. العدم، محمود (٢٠١٥م). *أشجار تبحث عن ماء*، دمشق، دار الفرات.
١٥. الفيصل، خالد (٢٠٠٨م). *الواحات*، رياض، دار العربية.
١٦. المفلاح، محمود (٢٠١٨م). *نشيد القدس صرخه تحت اقدام المهدي*، بيروت، دار الفارابى.
١٧. الشيبانى، محمد بن عبد الله (٢٠١٨م). *ديوان*، اصداء السماء، رياض، النادى الادبى.
١٨. جعفرى، رضا محمد (٢٠٠٨م). *المهدى المنتظر فى الأدب العربى*. بيروت، دارالهادى.

١٩. جمعه، خالد (٢٠١٦م). *حجر بيكي تحت المطر*، دمشق، دار الفكر.
٢٠. حداد، جمانه (٢٠١٧م). *الرسالة الموشاه*، بيروت، دار الساقى.
٢١. حيدر، جمال (٢٠٢١م). *قطرات فى بحر الغيبه*، بيروت، دار الرواديد.
٢٢. درويش، محمود (٢٠٠٦م). *ديوان*، لاريقى لهذا النسيان، بيروت، دار الرياض.
٢٣. _____ (٢٠٠٨م). *اوراق الزيتون*، بيروت، دار العوده.
٢٤. _____ (٢٠٠٨م). *ديوان*، أثر الفراشة، بيروت، دار الرياض.
٢٥. سليمان، كامل (١٣٨٦). *يوم الخلاص فى ظل القائم المهدي*، مترجم: على اكبر مهدي
پور، تهران، نشر آفاق.
٢٦. شحاده، حسن (٢٠١٠م). *اغاني القيد*، بيروت، دارالفارابى.
٢٧. شقير، محمود (٢٠٢١م). *اشجار بلا ظل*، بيروت، دار الهدى.
٢٨. شوقى، أحمد (١٩٣٨م). *الشوقيات*، القاهرة، مطبعة الاستقامة.
٢٩. شيخ صدوق، محمد بن على (١٣٩٥ق). *كمال الدين وتمام النعمه*، محقق: على اكبر
غفارى، تهران، اسلاميه.
٣٠. صافى گلپايگاني (١٤٢٢ق). *منتخب الاثر*، قم، نشر مولف.
٣١. طبال، عبدالكريم (٢٠١٧م). *حرائق الامل*، الرباط مراكش، دار التوحيدى.
٣٢. طوقان، فدوى (١٩٨٨م). *ديوان، اللحن الاخير*، بيروت، المؤسسه العربيه للدراسات
والنشر.
٣٣. عباس عماره، لميعه (٢٠١٨م). *اغاني مهبّار الدمشقى*، بيروت، دار المدى.
٣٤. عبدالرحمن، هبة (٢٠١٧م). *رمز المنقذ فى شعر محمود درويش*، مجلة الأبحاث
الأدبية، ٢٥، ١١٢-١٣٤.
٣٥. عبدالصبور، صلاح (بى تا). *ديوان*، الناس فى بلادى، قاهره، دار الشروق.
٣٦. عبده، خالد (٢٠١٤م). *اجراس الغضب*، صنعاء، دار الامل للنشر والتوزيع.
٣٧. عبود، ايناس (٢٠٢٠م). *درب السماء يدق*، بيروت، دار المشرق.
٣٨. عمر، ناديه (٢٠٢٥م). *المنجى الأخرى فى الشعر العربى*: قراءة سوسولوجية، مجلة
العلوم الإنسانية، ٣٣ (٢)، ٨٩-١١١.

٣٩. عيد، مريم (٢٠٢٢م). *اغافيد الجدائل والزيتون*، رام الله، دار الفكر الحر.
٤٠. فضل الله، زينب (٢٠٢٢م). *اغاني العاشق المستهام*، بيروت، دار الاداب.
٤١. قباني، نزار (١٩٩٤م). *ديوان*، هل تسمعون صرختي، بيروت، منشورات نزار قباني.
٤٢. _____ (١٩٩٩م). *الأعمال الشعرية الكاملة*، جلد ٤، بيروت، منشورات نزار قباني.
٤٣. مجلسي، محمد باقر (١٤٠٣ق). *بحار الانوار*، بيروت، دار احيا التراث العربي.
٤٤. محمدي ري شهري، محمد (١٣٨٤). *ميزان الحكمة*، قم، دارالحدیث.
٤٥. مطر، احمد (١٩٨٩م). *رسائل*، بيروت، دار الجمل.
٤٦. معروف، رضا (٢٠٢٣م). *نداءات الى الحجر*، بيروت، دار النهج.
٤٧. المفلاح، محمود (٢٠١٧م). *حجر يبكي*، غزة، دار الكلمة.
٤٨. نادية، عمر (٢٠٢٥م). *المنجى الأخرى في الشعر العربي*: قراءة سوسيلوجية. مجلة العلوم الإنسانية، ٣٣ (٢).
٤٩. نازك الملائكة (١٩٩٥م). *شغلايا ورماد*، بيروت، دار الاداب.
٥٠. ناعوت، فاطمه (٢٠١٢م). *عندما تعض البكاء*، بيروت، دار العوده.
٥١. نديم، هاني (٢٠٢١م). *الجرح الذي صار قبله*، دمشق، دار ممد.
٥٢. نزال، فاطمة (٢٠٢٥م). *تمرير على العزف*، بيروت، دار الآداب.
٥٣. هبة، عبدالرحمن (٢٠١٧م). *رمز المنقذ في شعر محمود درويش*، مجلة الأبحاث الأدبية، ٢٥، ١٣٤-١١٢.
٥٤. يوسف، عباس (٢٠١٩م). *خيام السماء*، بيروت، دار الهدى.
٥٥. يوسف، عبدالرحمن (٢٠١٨م). *ليلة الظهور*، الثقافة القطرية، سال ١٩، شماره ٤٥.